

پیش‌خوان

به بهانه انتشار یک گزارش تاریخی درباره زندان قزل قلعه

اوصاف «زندان سرخ»

■ **شاهد توحیدی**



از جمله اقدامات ارجمند «موزه عبرت ایران» تأسیس انتشاراتی است که کتبی روشنگر درباره زندان‌ها و زندانیان رژیم پهلوی منتشر می‌کند. اثری که هم‌اینک در بی‌معرفی آن هستیم،

پژوهشی است درباره زندان قزل قلعه که توسط جناب یعقوب لطفی به نگارش درآمده است. مؤلف در مقدمه خویش، درباره مختصات موضوع مورد تحقیق خود چنین آورده است: «قزل قلعه یا قزل قلاغ (قلعه سرخ) نامی درآشنا در ادبیات مبارزات سیاسی مهین زخم‌خورده ایران، از سلاطین و شاهان بوده است و جاوید خواهد ماند، ولی صد افسوس که آن را با سبوعیت باورنکردنی و عجله‌ای شگرف در یک روز غم‌انگیز با چنگال آهنین با خاک یکسان کردند، چنان‌که گویی از ابتدا چنین جایی وجود نداشته است. اکنون پس از گذشت چند دهه از این کار ستم‌آلود، حسرت دین و زنده شدن خاطرات دلاور مردان و شیرزنان ظلم‌ستیز بر دل و روح آنها به‌جای مانده است هر چند این زندان پس از دو دهه فعالیت در سال ۱۳۵۰ به دستور و فرمان محمدرشاه تعطیل و در سال ۱۳۶۰ به علت فرسودگی تخریب شد و آن را تبدیل به میدان میوه و تره‌بار کردند تا این قطعه سیاه رژیم پهلوی را از یاد و ذهن تاریخ پاک کنند ولی برخلاف تصور آنها هرگز این اتفاق رخ نداد و برخلاف تصور شاه و اعوان و انصارش از ذهن تاریخ استبداد و دیکتاتوری رژیم سلطنت حذف نشد و همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، پس از گذشت ۴۰ سال از آن کوبیدن‌ها و تخریب‌ها این موضوع همچنان زنده و پویاست و برای نسل جدید ایران مسئله قابل توجهی قلمداد می‌شود. با توجه به بررسی‌های انجام شده کتاب مستقلی در باره قزل قلعه وجود ندارد و یا حداقل بنده نگارنده از آن مطلع نشدم البته با جست‌وجوی فراوان و به نظر می‌رسد این نوشتار می‌تواند خلأ



■ **نمایی از زندان قزل قلعه در دوران پهلوی دوم**

به وجود آمده را حتی در حد اندک پر و کامل کند و یقیناً مجموعه کاملی نخواهد بود که امید است به زور زمان کامل شود.»
سیدضیاءالدین طباطبایی به انگلستان و نیز لطفی در بخش دیگری از مقدمه خود، به شیوه انجام این تحقیق نیز اشاراتی دارد: «با توجه به مطالب فوق‌الذکر، مطالعات گسترده میدانی کتابخانه‌ای برای تبیین این موضوع آغاز و با مراجعه به کتابخانه‌ها، سایت‌های اینترنتی و بهره‌برداری از ۱۲۰ هزار برگ سند منتشر شده و توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی بررسی خاطرات به‌جای مانده شفاهی با مطلعین سیاسی رژیم پهلوی و انجام مصاحبه‌های مطبوعی از قلم‌نویسند و بر پایان امیداست، این تحقیق در چهار فصل مقبول افتد. فصل اول: شناخت قزل قلعه، تاریخچه، موقعیت جغرافیایی، وضعیت ساختمان، نوع سازه و استوارهای قزل قلعه؛ فصل دوم: قزل قلعه به روایت محبوسین، فصل سوم: قزل قلعه و مبارزات سیاسی و فصل چهارم: خاطرات زندانیان سیاسی رژیم پهلوی و انجام مصاحبه‌های قلم‌نویسند و در انتها عکس‌ها تدوین و تقدیم علاقه‌مندان تاریخ سیاسی ایران می‌شود. بدیهی است تأثیرگذارترین قسمت این کتاب مجموعه خاطرات زندانیان سیاسی رژیم پهلوی است، زیرا اگر از قزل قلعه به مقامات عالیه سیاسی است استفاده نمی‌شد، حتماً مانند قلاع دیگر محسوب می‌شد. آنچه امروز به این مکان فاقد حضور فیزیکی (متأسفانه) هویت و اعتبار ای بخشد حضور صدها آزادی‌خواه، حقیقت‌جو و مبارز سیاسی دوران سیاه رژیم پهلوی در این قلعه بود. هر چند تمامی خاطرات بیان نشده، ولی هر آنچه فعلاً به جای مانده، دستمایه بسیار خوبی برای آرازه و گشودن پهلوی است. رژیم سفاک و بی‌دینی که متأسفانه امروزه بعضی از خودروختگان در لباس و چهره‌های مختلف در صدت ظهیر آن هستند و البته موفق نخواهند شد. همان‌گونه که آفتاب زیر این نمی‌ماند، هیچ وقت حقیقت پنهان نخواهد بود و با شکر و حمد الهی امروز شاهد بر ملا شدن خیانت‌های رضاخان و فرزند خانشن در همه زمینه‌ها هستیم و تشت رسوایی آنان چنان از بام بر زمین افتاده که صدای آن گوش هواخواهانشان را نیز کر کرده است. در پایان امیدوارم هم‌راهان و خوانندگان محترم نظرات و دیدگاه‌های سازنده خود را به نگارنده منتقل کنند و از هیچ تذکر و راهنمایی در جهت برپادار کردن این قطعه از تاریخ دریغ نورزند.»



نگره سیدضیاءالدین طباطبایی به پیامدهای همگامی خویش با رضاخان در کودتای ۱۲۹۹

من رضاخان را آوردم!

■ **احمد رضا صدی**

۹۸ سال پیش در چنین روزهایی، سیدضیاءالدین طباطبایی پس از ۱۰۰روز صدارت در پی کودتایی که خود از بانیان آن بود، از کار برکنار شد و چندی بعد ایران را ترک گفت. عمده تحلیلگران و تاریخ‌نگاران، نخست‌وزیری سیدضیا را نوعی محلل و زمینه‌ساز برای وقایع بعدی می‌انگاشتند. در واقع او نخست آمد تا پس از او بعدی‌ها و به خصوص رضاخان بیایند. در مقاله که هم‌اینک پیش روی شماست، ایعاد این موضوع یا استناد به اظهارات سیدضیا بیشتر روشن شده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **سیاستمداری با برچسب «انگلوفیل»**

در میان تاریخ‌نگاران معاصر، گرایش سیدضیاءالدین طباطبایی به انگلستان و نیز تمایل انگلیسی‌ها به او، تقریباً اصری اجماعی است. او در ادوار گوناگون عنوان خردفرد سیاست جدی رویکردهای بریتانیا در ایران بود و منحنی سیاست‌ورزی وی در ادوار گوناگون، شاهدهی بر آن است. یکی از تاریخ‌پژوهان در این باب به نکات جالبی اشاره کرده است: «سیدضیاءالدین طباطبایی از جمله مهم‌ترین انگلوفیل‌های تاریخ معاصر ایران است و به‌جز مرحله اول زندگی سیاسی خود– که توأم با روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بود– در بقیه عمر خود به عنوان خردفرد سیاست انگلستان در ایران شناخته می‌شد. سیدضیاءالدین طباطبایی در مراحل اولیه عمر سیاسی خود در زمانی که تنها از طریق روزنامه‌نگاری با عرصه سیاسی مرتبط بود، بیشتر گرایش مذهبی داشت و به هیچ کشور خارجی وابسته نبود، اما به تدریج رویکرد و نگاه وی تغییر کرد و به پردفداری از انگلستان در سپهر سیاسی ایران پرداخت و توانست به مقامات عالیه سیاسی از قبیل رئیس‌الوزرای دولت کودتای ۱۲۹۹ نائل شود. پس از این‌ن دوران، مدتی را در خارج از ایران گذراند و پس از آن نیز به کشور بازگشت و فعالیت‌های شدید سیاسی خود را آغاز کرد،

و فعالیت‌های شدید سیاسی در ایران بوده است. ۹۸ سال پیش در چنین روزهایی، سیدضیاءالدین طباطبایی پس از ۱۰۰روز صدارت در پی کودتایی که خود از بانیان آن بود، از کار برکنار شد و چندی بعد ایران را ترک گفت. عمده تحلیلگران و تاریخ‌نگاران، نخست‌وزیری سیدضیا را نوعی محلل و زمینه‌ساز برای وقایع بعدی می‌انگاشتند. در واقع او نخست آمد تا پس از او بعدی‌ها و به خصوص رضاخان بیایند

عاریخ

کفت و کوم ۸۸۴۹۸۴۲۷

سیدضیاءالدین طباطبایی دریاغچه خود در منطقه سعادت‌آباد تهران در سنین پیری



سیدضیاءالدین طباطبایی: «از سنه ۱۰ به بعد که دیکتاتوری در ایران تشکیل شد، وضع مملکت به جایی رسیدبه بود که اگر در پاریس، یک روزنامه فرانسوسی دو سطر بر ضد شهریار ایران می‌نوشت، فردا دولت مناسبات خود را با ملت فرانسه قطع می‌کرد. سفارت ایران را از پاریس احضار می‌کرد و سفارت فرانسه را از پهران را بیرون می‌کرد. آن رعبی که طهران را گرفته بود، در نتیجه یک وضعیاتی که حالا نمی‌خواهم بگویم، دیگران را هم فراگرفته بود. در یک همچو موقع، من کجا می‌توانستم چیزی بگویم؟»

آنها به اقداماتی نظیر مقابله با نفوذ اشراف‌زاده‌ها و سیاسیونی که بسیاری از آنها طرفداران انگلستان بودند، اشاره می‌کنند و این مسائل را دال بر این می‌دانند که وی نه تنها شخصیتی انگلوفیل نبود، بلکه حتی در برهه‌هایی نیز سیاست‌هایی را در پیش گرفته که در تضاد با منافع انگلستان بوده و همین مسئله باعث شده وی را از قدرت کنار زند و به خارج از کشور تبعید کنند. اما واقعیت این است که تحلیلگران و ایران‌شناسان – هم در زمان زیست سیاسی سیدضیا و هم پس از آن – همواره از وی به عنوان یکی از معروف‌ترین، بنفوذترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های انگلوفیل تاریخ معاصر ایران یاد کرده‌اند. چه بسا باری‌هایی که سیدضیا در مقابله با انگلیس به راه می‌انداخت خود ایده‌ای برای عمل کردن رد حضور وی در صف انگلوفیل‌ها بوده باشد.

■ **با طیب خاطر ایران را ترک کردم!**

بی‌تردید مناظره محمد مصدق با سیدضیاءالدین طباطبایی به آفاق سردار نامه وی در مجلس چهاردهم، هر سال چند صد نفر جوان می‌رود. سید در مقام دفاعی مطول از خویش، گاه به تناقض‌گویی می‌افتاد و سخنان پیشینی خود را خنثی می‌کرد. «تا بوم به آقای سید سران سپه وزیر جنگ در دفاع از خود بدان اشاره کرد، ترک نخست‌وزیری ۱۰۰ روزه با میل شخصی بوده است! او مدعی شد که با طیب خاطر استعفا داده و ایران را ترک کرده است: «تا بوم به آقای سید سران سپه وزیر جنگ در ایران برای مصالح ایران مقتضی ندیدم، با طیب خاطر ایران را ترک کردم. کسی مرا بیرون نکرد. اگر اطلاعی دارید به شما می‌گویم روزی که من از طهران حرکت کردم، هزار ژاندارم در تحت امر من بود. در طهران قوهٔ قزاق نبود. قزاق‌ها را به قزویں و منجیل مراجعت داده بودیم. در تحت امر سردار سپه، هزار و ۸۰۰ یا هزار نفر افراد مرکزی

بودند. در همان موقع من قادر بودم هر چه می‌خواستم بکنم. کسی مرا بیرون نکرد و طرد نکرد و این هم یک اسراری است که من فقط می‌دانم و مجبور هم نیستم به شما توضیح بدهم. من از ایران رفتم ولی اقدامات سه ماههٔ من، روحی در ایران دمید که تا ۱۰ سال بعد از من، ایران در عداد ملل زندهٔ دنیا به شمار آمد. هر چه در ایران امروزه دیده می‌شود، مولود کودتا است. اگر در طرح اساسی کودتا من بانی بودم اما در وقایع ناگوار نه حاضر و نه شرکت داشتم. در انتخابات دورهٔ پنجم اهالی طهران مرا به وکالت انتخاب کردند، رأی دادند. پس از اینکه دیدند من وکیل می‌شوم، همین آرای حومه که امروز جناح‌عالی (دکتر مصدق) را به اینجا آورد، آوردند، در آرای انتخابیه و نگذاشت من اکثریتی حاصل کنم.»

سیدضیا اما در جای دیگری از همان نطق اظهار می‌دارد که مداوم نخست‌وزیری وی به «خرابی ایران» و «محو ملت» منتهی می‌شده است. از همین سریند معلوم می‌شود که ترک نخست‌وزیری توسط وی، محصول یک بیم بزرگ بوده و او چندان نیز ایمن کار را با طیب خاطر انجام نداده است: «در ۲۳ سال قبل که رئیس‌الوزرا و فعال مایشاه ایران بودم، اگر می‌خواستم اگر مایل بودم، این در چه فهم و ادراک در من نبود که با این و آن بسازم و در همان مسند باقی باشم، ولی من نخواستم به قیمت خرابی ایران یسه قیمت محو یک ملت، زامدار شماها باشم این بود که طالب نبودم و ترک کردم و رفتم.»

در باب برکناری سیدضیا توسط رضاخان و البته نهایتاً با اراده سیاست انگلستان، مدارک فراوانی در دست است. پیش با افتاده‌ترین آنها، اظهارات محمدرضا پهلوی است که در «مأموریت برای وطن» عزل سیدضیا را محصول اراده پدرش می‌داند.

■ **از سنه ۱۰ به بعد، دیکتاتوری در ایران تشکیل شد!**

بی‌تردید سیدضیا در مقام دفاع از خود در مجلس چهاردهم، به شرایط پس از شهر یور ۲۰ و نفرت عمومی از رضاخان توجه دارد، بنابراین سعی می‌کند که نه او را به طور کامل تخطئه کند چه اینکه خود نیز به عنوان آورنده وی، زیر سؤال قرار می‌گیرد و نه وی را به طور کامل تأیید که در این صورت نخواهد توانست اختناق و دیکتاتوری وی را توجیه نماید. در این روی در تحلیل شرایط دوران ۲۰ ساله حاکمیت رضاخان، در وسط و با همه می‌گیرد: «تا چهار، پنج سال بعد از کودتا، تمام جرایم، مجلس شورای ملی و جوان‌ها، پیش گرفته که در تضاد با منافع انگلستان بوده و همین مسئله باعث شده وی را از قدرت کنار زند و به خارج از کشور تبعید کنند. اما واقعیت این است که تحلیلگران و ایران‌شناسان – هم در زمان زیست سیاسی سیدضیا و هم پس از آن – همواره از وی به عنوان یکی از معروف‌ترین، بنفوذترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های انگلوفیل تاریخ معاصر ایران یاد کرده‌اند. چه بسا باری‌هایی که سیدضیا در مقابله با انگلیس به راه می‌انداخت خود ایده‌ای برای عمل کردن رد حضور وی در صف انگلوفیل‌ها بوده باشد.»

سیدضیا در مقابله با نفوذ اشراف‌زاده‌ها و سیاسیونی که بسیاری از آنها طرفداران انگلستان بودند، اشاره می‌کنند و این مسائل را دال بر این می‌دانند که وی نه تنها شخصیتی انگلوفیل نبود، بلکه حتی در برهه‌هایی نیز سیاست‌هایی را در پیش گرفته که در تضاد با منافع انگلستان بوده و همین مسئله باعث شده وی را از قدرت کنار زند و به خارج از کشور تبعید کنند. اما واقعیت این است که تحلیلگران و ایران‌شناسان – هم در زمان زیست سیاسی سیدضیا و هم پس از آن – همواره از وی به عنوان یکی از معروف‌ترین، بنفوذترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های انگلوفیل تاریخ معاصر ایران یاد کرده‌اند. چه بسا باری‌هایی که سیدضیا در مقابله با انگلیس به راه می‌انداخت خود ایده‌ای برای عمل کردن رد حضور وی در صف انگلوفیل‌ها بوده باشد.

سیدضیا در مقابله با نفوذ اشراف‌زاده‌ها و سیاسیونی که بسیاری از آنها طرفداران انگلستان بودند، اشاره می‌کنند و این مسائل را دال بر این می‌دانند که وی نه تنها شخصیتی انگلوفیل نبود، بلکه حتی در برهه‌هایی نیز سیاست‌هایی را در پیش گرفته که در تضاد با منافع انگلستان بوده و همین مسئله باعث شده وی را از قدرت کنار زند و به خارج از کشور تبعید کنند. اما واقعیت این است که تحلیلگران و ایران‌شناسان – هم در زمان زیست سیاسی سیدضیا و هم پس از آن – همواره از وی به عنوان یکی از معروف‌ترین، بنفوذترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های انگلوفیل تاریخ معاصر ایران یاد کرده‌اند. چه بسا باری‌هایی که سیدضیا در مقابله با انگلیس به راه می‌انداخت خود ایده‌ای برای عمل کردن رد حضور وی در صف انگلوفیل‌ها بوده باشد.

■ **هر کس را که خودتان تصور می‌کنید، بگیرید و یک عده را خودتان آزاد کنید!**

سیدضیا در پاسخ به دکتر مصدق، سکوت او در قبال رفتارهای داماد خود در دوران نخست‌وزیری وی را، مستمسکی در حمله به او قرار می‌دهد. با این همه، همین اشارات نیز باور وی درباره اختناق و دیکتاتوری رضاخانی را بیشتر آشکار می‌سازد. سیدضیا در مقایسه میان محدودیت‌های دوران صدارت خود با دوران سلطنت رضاخان می‌گوید: «در مملکت ایران رجال باشرف، حقیقت و خدمتگزاری بودند که دارای لقب ملک، دوله و سلطنته بودند. مثل مرحوم ناصرالملک، مرحوم

مستوفی‌الممالک، مرحوم مشیرالدوله و آقای مؤتمن‌الملک، آقای ضیاءالملک که از دیروز سر ملک به بنده با نظر بی‌لطفی نگاه می‌کند. بنده ایشان را از اشخاص شریف می‌دانم و با اینکه ضیاءالملک هستند، ایشان را شخص شریفی می‌دانستم و قصد توهین نبود و بین محبوسین هم، آنهاهی که محبوس بودند، عرض نکردم که خائن بودند، عرض نکردم بی‌شرف بودند، عرض نکردم بد بودند، عرض نکردم خوب بودند. بنده آنها را محاکمه نکرده بودم و کسی را که محاکمه نکرده بودم، نمی‌توانم درباره‌شان قضاوت کنم و فقط عرض کردم که یک نفر رئیس‌الوزرا در ۱۲۹۹ که قاتون مجازات عمومی در این مملکت وضع نشده بود و حبس کردن مردم این مملکت برای وزیر و کدخدا و حاکم یک امر عادی بود، بنده نظر به

مستولیت خودم مقتضی دیدم که یک عده را که کارهای مملکت را فلج می‌کردند تحت نظر قرار بدهم. ولی البته بنده روزی که آنها را تحت نظر قرار دادم، عده‌ای را این‌طور کردم و اقرار هم می‌کنم، پیش از اینکه رئیس‌الوزرا بشوم، این کار را کردم. بسا اینکه اعلی‌حضرت پهلوی سردار سپه اینجا نیست، از جوانمردی من دور است که او را متهم کنم و بگویم او کرد. خیر بنده کردم. یک عده را من اسم بردم و یک عده را گفتم: هر کس را که خودتان تصور می‌کنید بگیرید و یک عده را خودتان آزاد بکنید، از جمله مرحوم سردار معظم که یک ماه و نیم بعد از کودتا بدون اطلاع من ایشان را در تحت نظر قرار دادند. پس از آن بنده مقتضی دانستم که ایشان را بگویم به قم تشریف ببرند برای زیارت (دکتر مصدق– مدرس) همان مدرس مرحوم، به قزوین تشریف برند و در قزوین آزاد شوند. از اهالی قزوین تحقیق کنید، با کمال آزادی آنجا بودند. بنده کسی را حبس نکردم، ولی همان مدرس را کشتند و شما حرف نزدید، دیگران را کشتند شما استیضاح نکردید. باز تکرار می‌کنم داماد و برادرزاده شما اساس

عدلیه ایران را بر هم زد. داماد شما مجرم‌ترین رئیس‌الوزرای ایران بود. ۵۳ نفر آزادی‌طلب ایران را به محبس انداخت و کشت. شما حرفی نزدید، شما استیضاحی نکردید، شما سوالی نکردید و ترفیذی بگویید داماد من نکن، ول کن، خودت را بکش و مردم را نکش. من حبس کردم به قول شما، به اسم خودم تحت نظر قرار دادم، رئیس‌الوزرای مسئول بودم و سر نوشت ایران در دستم بود. من اگر برای نجات مملکتی عمدا یا سهواً تشخیص بدهم که یک عده از رجال مملکت تحت نظر قرار بگیرند، ولی کسی را نگفتم اذیت کنند، کسی را نگفتم بکشند و برای غرض شخصی تحت نظر قرار ندام و این برای من جرمی نیست.»

■ **اگر رضاخان خوب بود، من هم خوب هستم!**

طباطبایی در بخش دوم پاسخ خود به انتقادات مصدق در مجلس چهاردهم، صریح‌تر سخن می‌گوید. او خود را آورنده رضاخان می‌خواند و بر آن است که با گفتن این سخن، از حمایت نمایندگان حامی دربار و نیز کسانی که هنوز جرأت انتقاد علنی از رضاخان در این مملکت تحت نظر قرار نگرفته‌اند، غافل از آنکه با این سخن خویش، درباره ظهور رضاخان و نقش انگلستان در آن، به تاریخ برهان قاطع می‌دهد: «اما راجع به آقای سردار سپه، راجع به سردار سپه می‌فرمایید، اما رضاخان پهلوی که من به ایشان عقیده مندم، ارادتمندم، ایشان از وقت زمامداری خودشان یک خدمت‌ای به امنیت مملکت کرده‌اند و به این ملاحظه‌بند ما میل به ایشان هستم. شما به چه دلیل متمایل به ایشان هستید؟ برای حفظ خودم برای حفظ می‌دیدم خودی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نعلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند. هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند! پس دلیل نداشتن تا خودتان باری خارج حرفه‌ای منم. از ۲۰۵ تا ۳۱۰ بار از آثار ظاهر به خوب بود و اگر در معنی کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودم و مخصوصاً سالی در حدود ۲۰۰ نفر محصل و جوان‌ها به اروپا می‌آمدند. آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره ن